

حضرت مسلم

کوفه نیا اینجا دارن کینه های بدر و حنین
چشمام خیس و بارونیه برای غریبیت حسین
مسلم و تنهاترین سردار تو روی زمین
نیستی بیینی که شدم غریب و اسیر و حزین
یا سیدنا یا حسین...

با دستای بسته حسین بشنو سختم کن حذر
زینبت و هرگز نیار تو کوفه میشه خونجگر
یه غصه ای تو سینمه کوفه پُره نامحرمه
اینجا نیا هرچی بگم از نامردی هاشون کمه
یا سیدنا یا حسین...

آرزوی مسلم اینه غصه نخوره زینبت
نبینه کوفه میزنن چوب خیزران رو لب
مسلم و جوونیش فدات فدای یه لحظه نگات
نباشه ببینه یه روز سنگ می خوره روی لبات
یا سیدنا یا حسین...

ورود کاروان به کربلا

باز میده عذاب این دلم یه حسّ غریبی داداش
این زمین و اینجا داره چه بوی عجیبی داداش
اینجا میده بوی نفاق بوی جدایی و فراق
شور میزنه باز این دلم میاد بوی هجران و داغ
یا اخی حسین یا حسین...

دار و ندارم رو حسین پای تو میریزم فقط
از جلوی چشمای من دور نشو عزیزم فقط
خواهرم و کم طاقتم کم میشه بی تو قوتم
آرزوی قلبم اینه نشه جدایی قسمتم
یا اخی حسین یا حسین...

خدا می دونه لحظه ای پا نمی کشم از غمات
باشه میزنیم خیمه و هستی مونو میدیم برات
الهی که زینب فدات نبینه غم و غصه هات
زینب و دعا کن بشه شهیده ی کرب و بلات
یا اخی حسین یا حسین...

حضرت رقیه(س)

جز تو دیگه آی قاصدک همدی پیدا نمیشه
برو و بگو به بابام هیچکسی بابا نمیشه
بگو اگه آواره ام غارت شده گوشواره ام
ولی حجابم کامله با روسری پاره ام
ابتا حسین یا حسین...

بگو نخوره غصه مو عمه جون هوامو داره
خواب نداره شب تا سحر بالای سرم بیداره
سنگ صبور حرفامه گریه کن روضه هامه
لالایی نیمه شباش مرحم غم و زخمهامه
یا اخی حسین یا حسین...

عقده ی دل خسته مو بگو قاصدک به بابام
منتظرشم که بیاد شب توی خرابه ی شام
گفته تو خوابم که میاد می مونه پیش من زیاد
می بره منو با خودش پیش مادرش شاد شاد
یا اخی حسین یا حسین...

طفالان حضرت زینب(س)

دارایی زینب داداش فدای سر بچه هات
اجازه بده تا کنم دو تا پسر رو فدات
عاشق نگاه تواند سرباز سپاه تواند
افتخارشون اینه از شهدای راه تواند
یا اخی حسین یا حسین...

آرزومه داداش بشم پیش مادرم رو سفید
محمد و عونم بشن تو رکابت آقا شهید
برا تو پوشیدن کفن پسرای شیرین من
لحظه شماری می کنن برای دایی جون بدن
یا اخی حسین یا حسین...

تنگی میکنه سینه شون خیمه شده زندون شون
رها میشن اون موقع که بریزه برات خون شون
هدیه های خواهند فدایی تو دلبرند
خیمه بمونن می میرند دل تنگ علی اکبرند
یا اخی حسین یا حسین...

جناب حُربن ریاحی

قلبم ز غم آکنده ای میوه ی دل فاطمه
شده تا دم مُردنم به لب من این زمزمه
من حرم و خاک درت شرمندهام از خواهرت
تن و سر و جانم حسین فدای تو لشکرت
امیری حسین یا حسین امیری و نعم الامیر

امید دلم اینه که بگذره ز من خواهرت
اجازه بده تا بشم خاک پاهای اکبرت
نادمم و شرمندهام پیش تو سرافکنده ام
منو بپذیر یا حسین تو رکاب تو بنده ام
امیری حسین یا حسین امیری و نعم الامیر

حضرت عبدالله بن الحسن(ع)

عمه رها کن دستمو نگو نرو خیمه بمون
آخه عموی بی کسم افتاده تو گودال و خون
میدم قسَمَت به بابام عمه تو رو به گریه هام
دستم و رها کن برم خسته شدم از این خیام
عمو یا حسین یا حسین...

تو خیمه و دلواپسی عمه بمونم تا به کی
اگه نرسم قتلگاه سر عمو میره رو نی
نه نگو به این خواهشم ریخته بهم آرامشم
آروم می گیرم وقتی که عمو ببینه پیششم
عمو یا حسین یا حسین...

عمه داداش تو برام هم بابا بوده هم عمو
مگه میذارم جون بده زیر لگدای عدو
خاطرشو خیلی میخوام آخه میده بوی بابام
آرزومه آخر بشه سینه ی عمو قتلگام
عمو یا حسین یا حسین...

حضرت قاسم بن الحسن(ع)

فدایی تو قاسم یتیم غریب حسن
راضی شو که من هم برم عمو بنه منت به من
به جای داداشت حسن برا تو پوشیدم کفن
و قتشه به عشقت عمو پباشه ز هم جسم من
عمو یا حسین یا حسین...

برا بار آخر عمو قاسم و بگیر تو بغل
مردن تو رکاب شما شیرینه برام چون غسل
عاشقم و دارم هوس بذار بپریم از قفس
بعد از علی اکبر دیگه بالا نیماش نفس
عمو یا حسین یا حسین...

ننگه واسه قاسم عمو ببینه غمای تو رو
زنده باشه و لحظه‌ای نشنوه صدای تو رو
نوجونم اما غیور سرم پره شور و شعور
وقتی اومدی مقتلم قول بده که باشی صبور
عمو یا حسین یا حسین...

حضرت علی اصغر (ع)

سرباز کوچیکم علی بیا توی آغوش من
موقع عروجت شده شیرخواره‌ی بی‌هوش من
تو رو با خودم میبرم قرار رباب و حرم
برو ز قنوتم علی پیش محسن و مادرم
علی علی لای لای علی...

حالا تو سپاه منی گهواره کوچیکه برات
بیا و به پا کن غدیر بلرزه دل دشمنات
با بی‌زبونی دلبرم بگو نوه‌ی حیدرم
علی داره باز این خیام من هم علی اصغر
علی علی لای لای علی...

دنیا دیگه جای تو نیست برو علی آخرم
پر بگیر از این قنداقه منتظرته مادرم
سلام منو برسون به مادر قامت کمون
ملائکه دل تنگتن برو پیش‌شون آسمون
علی علی لای لای علی...

حضرت علی اکبر (ع)

جوون رشیدم علی عمه و خیام و ببین
بدرقه‌ی تو اومدن با چشمای خیس و حزین
خالیه جای مادرت که بگرده دور سرت
دل بابا رو می‌بری با چشمای چون گوهرت
ولدی علی یا علی

با جمال پیغمبریت راه برو برا دلبرت
سخته علی دل کندن از قد و بالای محشرت
میری و نداری خبر از دل منه خونجگر
قربون قدمهات علی برو ولی آهسته تر
ولدی علی یا علی

علی صدامو می‌شنوی پاشو پدر پیرتم
جواب بابا رو بده زارم و زمین گیرتم
شکسته سر و روی تو پیچیده تو دشت بوی تو
یاد مادرم می‌ندازه منو زخم پهلوی تو
ولدی علی یا علی

حضرت عباس(ع)

پاشو پناه خیمه‌ها ساقی و سپاه حرم
پاشو زجا با هم بریم منتظرته خواهرم
دست مادرم رو بگیر پاشو کمرم رو بگیر
دیر میشه بریم خیمه و دور خواهرم رو بگیر
اذا ابوافضل مدد...

چطوری دلشون اومد اینجوری هضمیت کنن
هر وجب این دشت تو رو یا اخا سهیمت کنن
فدای سرت مشک و آب پاشو که دارم اضطراب
جواب حرم با حسین خجالت نکش از رباب
اذا ابوافضل مدد...

اگه تو نباشی داداش خیمه‌ها به غارت میره
حرم و آتیش میزنن زینب به اسارت میره
پاشو داداش و یاری کن برا خواهرت کاری کن
علم و بگیر دستت و دوباره علمداری کن
اذا ابوافضل مدد...

شب عاشورا

نگرون و آشفته‌ام تو این سحر آخری
قول بده که فردا حسین کم طرف گودال بری
دلیم و میریزه بهم طاقتم و میگیره غم
ترسم اینه اونجا بری نیایی و بیچاره شم
یا اخا حسین یا حسین...

زینب نکن تو رها با یه دنیا دلواپسی
میدونی عذابم میده دوری تو و بی کسی
تو نباشی دلخون میشم آواره و گریون میشم
با دستای بسته حسین اسیر بیابون میشم
یا اخا حسین یا حسین...

بی تو میشه داداش بدون زندگی به زینب حروم
یه روزه زمین گیر میشه می‌سوزه و میشه تموم
بی تو به خدا تا میشم می‌پوسم و تنها میشم
تا سر تو میره رو نی تا زائر سرها میشم
یا اخا حسین یا حسین...

شام غریبان

ای خفته در خون چرا بی سری و پاره تنی
بده جواب زینب و آیا تو حسین منی
نمیشه داداش باورم که تویی حسین حرم
این تن و تو خاکستر چطوری بگیرم بغل
یا ذبیح العطشان حسین...

زینب و دارن می‌برن با سینه‌ای که پر غمه
میره بی تو از کربلا پاشو و بیا بدرقه
شبای جدایی رسید موی خواهرت شد سفید
حسرت به دلش موند که سیر تن بی سرت رو ندید
یا ذبیح العطشان حسین...

حالا که علمدارتم نباشه برادر غمت
کوفه رو بهم می‌زنم با علم و با پرچمت
با سر تو رو نیزه‌ها به پا می‌کنم کربلا
برا قیامت می‌کنم به مادرمون اقتدا
یا ذبیح العطشان حسین...
